

Research paper  
2 (1), 41-63, Fall, 2023

## Analyzing Discoursal Style of Judges and Defendants in Courtroom Based on Forensic Linguistics

Soraya Sobhani<sup>1</sup>, Bahman Gorjiyan<sup>2</sup>, Elkhias Veisi<sup>3</sup>

### Article Info

#### Article type:

Research article

#### Article history:

Received: 3 October 2023

Accepted: 15 November 2023

#### Keywords:

forensic linguistics,  
speech style,  
pragmatics,  
court discourse,  
style markers

### ABSTRACT

Forensic linguistics as a branch of applied linguistics has taken place in the analysis of court discourse in the world, and newly, in the Iranian court contexts. This discipline has helped the legal language to analyze discoursal elements among the court participants. This is a mixed-methods research through which qualitative and quantitative analyses have been followed. The research was to discover pragmatic aspects of court discourse. One of these aspects was the spoken style markers (McMenamin, 2004) used by judges and defendants in Iranian criminal courts. Data were analyzed through descriptive (i.e., frequency, means, and percentages) and inferential statistics (i.e., Chi-square, X<sup>2</sup>) to compare judges' and defendants' conversations. Analysis of the "spoken style" variable showed that defendants' and judges' spoken styles differed significantly. The judges use the "use of formal spoken style" discourse markers more than the defendants. In sum, results revealed that judges and defendants used each discourse marker differently to play a role in strengthening or weakening speakers' power. Implications of the study suggest several guidelines for training judges in pre-service and in-service courses that provide them with linguistic and discoursal knowledge of how to use language pragmatically and practically to smooth the court processes.

**Cite this article:** Sobhani, S., Gorjian, B., & Veisi, E. (2023). "Analyzing Discoursal Style of Judges and Defendants in Courtroom Based on Forensic Linguistics". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 2 (1), 41-63.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: [10.22034/jls.2023.139833.1045](https://doi.org/10.22034/jls.2023.139833.1045)

1. Ph.D. Candidate of Linguistics, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.  
E-mail: [armaghan2007@gmail.com](mailto:armaghan2007@gmail.com)
2. Associate Professor, Department of Linguistics, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. E. mail: [bahgorji@yahoo.com](mailto:bahgorji@yahoo.com)
3. Associate professor, Department of Linguistics, Payam Noor University, Tehran, Iran.  
E. mail: [veysi@pnu.ac.ir](mailto:veysi@pnu.ac.ir)

سال دوم، دوره دوم، شماره اول، شماره پیاپی سوم، پائیز ۱۴۰۲، ص ۶۳-۴۱  
سبک‌شناسی گفتمان قضات و متهمان در دادگاه از منظر زبان‌شناسی حقوقی

ثریا سبهانی<sup>۱</sup>، بهمن گرجیان<sup>۲</sup>، الخاص ویسی<sup>۳</sup>

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> پژوهشی	زبان‌شناسی حقوقی به‌عنوان علمی نوپا و مؤثر در واکاوی گفتمان در پرونده‌های دادگاه و تسهیل روند دادرسی اعم از مراحل بازپرسی و تشکیل پرونده تا صدور حکم کارساز است. این رشته، شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است که در تحلیل گفتمان عوامل دادگاه و کشف ساختار و سبک سخن در مکالمات، محققین را یاری می‌رساند. پژوهش حاضر تحلیل مکالمات قضات و متهمان دادگاه‌های کیفری ایران را با توجه به نظریه سبک گفتاری مک‌منامین (۲۰۰۴) انجام داده است. روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی است. سؤال اصلی در خصوص کشف بسامد الگوهای گفتاری قضات و متهمان در ۲۹ پرونده است. داده‌های این مطالعه از مکالمات دادگاه در تارنمای آپارات و آرشیو شبکه مستند صدا و سیما گردآوری و پیاده‌سازی گردید. سپس تحلیل کیفی داده‌ها به‌وسیله محاسبه بسامد و درصد نشانگرهای سبکی در گفتمان قضات و متهمان انجام شد. نتایج این پژوهش در خصوص متغیر «سبک گفتاری» نشان داد که قضات در مقایسه با متهمان به صورت معناداری از نشانگر «استفاده از سبک گفتاری رسمی» بهره برده و سبک گفتاری خود را از متهمان متمایز کرده بودند. کاربرد نتایج این پژوهش در تربیت قضات، قبل و در حین خدمت منجر به افزایش دانش زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان آن‌ها می‌گردد.
<b>تاریخ وصول:</b> ۱۱ مهر ۱۴۰۲	
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۲۴ آبان ۱۴۰۲	
<b>واژه‌های کلیدی:</b> زبان‌شناسی حقوقی، سبک گفتاری، کاربردشناسی زبان، گفتمان دادگاه، نشانگرهای سبکی	

استناد: سبهانی، ثریا؛ گرجیان، بهمن؛ ویسی، الخاص (۱۴۰۲). «تحلیل نقش نظام‌ها و عوامل نشانه‌معناشناختی در حکایتی از گلستان در شکل‌گیری سبک زندگی». پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد، ۲(۱)، ۶۳-۴۱.



حق مؤلف: نویسندگان

ناشر: دانشگاه کردستان

DOI: 10.22034/jls.2023.139833.1045

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. [armaghan2007@gmail.com](mailto:armaghan2007@gmail.com)

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

[bahgorji@yahoo.com](mailto:bahgorji@yahoo.com)

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. [veysi@pnu.ac.ir](mailto:veysi@pnu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

زبان‌شناسان از دیرباز به بررسی زبان و چگونگی فرایند تولید و تفسیر آن توسط گویشوران علاقمند بوده‌اند. آنان تلاش می‌نمودند تا این بررسی‌ها را در بافت‌های زبانی مختلف انجام داده و به نتایج آن پی ببرند. در سال‌های اخیر این‌گونه مطالعات به بافت دادگاه‌ها و محاکم حقوقی نیز گسترش یافته و پژوهشگران را بر آن داشته تا از زوایای گوناگون نوع زبان به کار رفته توسط اشخاص حاضر در این محافل را تحلیل کاربردی نمایند. بر این اساس، رویکردهای مختلفی در زبان‌شناسی کاربردی و یکی از حوزه‌های آن، یعنی زبان‌شناسی حقوقی شکل گرفت و برای هر یک نظرات متعددی توسط زبان‌شناسان مطرح شد.

سبک‌شناسی گفتمان قضات و متهمان در دادگاه از منظر زبان‌شناسی حقوقی یکی از حوزه‌های جدید مطرح شده در زبان‌شناسی حقوقی است. در دادگاه پرونده‌هایی وجود دارد که دارای گویندگان مجهول‌الهویه یا منکرین گفتمان بوده و با مبادرت به جرم توهین کلامی نوشتاری یا گفتاری توسط وسایل ارتباط جمعی نظیر تلفن، پیامک، ایمیل و غیره موجبات آزار و اذیت و یا ضرر و زیان اشخاص و سازمان‌ها شده‌اند. گاهی نیز این متهمان با جعل امضا یا نامه‌های تهدید آمیز موجبات شکایت افراد قربانی قرار گرفته‌اند. شناسایی متهم واقعی از میان مظنونان در پرونده یکی از مشکلات اساسی در فرآیند دادرسی است. زبان‌شناس حقوقی با استفاده از تحلیل و توصیف ساختارهای آوایی، نحوی، واژگانی و معنایی قادر به شناسایی گوینده یا نویسنده بوده و کمک بسیاری به تسهیل جریان دادرسی می‌نماید. از سوی دیگر قضات نیز دارای سبک گفتاری در دادگاه هستند که شناسایی آنها در تحلیل گفتمان قضات موثر است. بنابراین، در این پژوهش بر اساس چارچوب‌های گفتمان حقوقی از نظر مک‌منامین<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، نشانگرهای سبکی گفتمان استخراج و با افزودن برخی نشانگرها که به بافت زبانی در ایران مربوط شده، تحلیل و توصیف سبک گفتمانی متهمان و قضات انجام گرفته است.

سبک گفتمانی اصطلاحی است مربوط به نحوه بیان و چگونگی طرح سخن که اغلب در مکالمات قضات و متهمان در محیط دادگاه به کار می‌رود و در این پژوهش نشانگرهای سبکی در جدول یک نشان‌دهنده مؤلفه‌هایی است که در تحلیل گفتمان حقوقی در کلام قاضی و متهم

<sup>۱</sup>McMenamin

کاربرد دارد. سبک، استفاده از صورت‌های مختلف زبانی در کاربرد واقعی زبان تعریف شده است (سبھانی و همکاران، ۱۴۰۲). هر فرد در تولید گفتار، از یک سبک خاص تبعیت می‌کند. گرایش، فرهنگ، تحصیلات، موقعیت جغرافیایی، پیشینه اجتماعی، سیاسی، مذهبی و غیره در انتخاب فردی سبک نقش دارد. بر این اساس سبک‌شناسی، علم شناخت ویژگی‌های زبانی فرد گوینده است و زبان گفتار یا نوشتار را شامل می‌شود. این علم، شاخه‌ای از زبان‌شناسی نوین می‌باشد که در قرن بیستم شکل گرفته است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱)

مک‌منامین (۲۰۰۴) با بکارگیری اصول سبک‌شناسی گفتاری در زبان‌شناسی حقوقی، زمینه‌ساز بروز رویکرد سبک‌شناسی حقوقی در بافت قضایی است. وی دو شیوه را به منظور شناسایی صاحب صدا معرفی می‌کند: یکی شیوه سبک‌شناسی است که تعیین می‌کند سبک سخن موجود چه شباهتی به سبک کلام مظنون دارد و دیگری از طریق بررسی شباهت‌های ساختاری و نحوی است (سبھانی و همکاران، ۱۴۰۱). علی‌رغم سهم بالقوه و بسزایی که مطالعات زبانی در شناساندن هر چه بیشتر زبان دادگاه دارند، پژوهش‌های پیشین کمتر به این مهم آن هم در بافت دادگاه‌های ایران پرداخته‌اند. این مطالعه که با هدف تحلیل و توصیف گفتمان دادگاه از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی انجام شده است، در نظر دارد تا از طریق شیوه تحلیل سبکی مک‌منامین (۲۰۰۴)، به کشف و مقایسه ساختارهای سبکی کلام مشارکان دادگاه پرداخته و تطبیق‌پذیری و یا عدم تطبیق‌پذیری این رویکرد را در تعیین هویت گفتاری مظنونین و حل پرونده‌های حقوقی ارزیابی نماید. تکرندگان، به دلیل گستردگی تحلیل گفتمان همه ضابطان قضایی صرفاً مکالمات قضات و متهمان را در دادگاه کیفری بررسی می‌نماید.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در حوزه گفتمان دادگاه<sup>۱</sup> صورت گرفته که ضمن بیان اهمیت بالای این حوزه، زبان دادگاه<sup>۲</sup> را ژانری<sup>۳</sup> متفاوت از ژانرهای ادبی دیگر معرفی می‌کند (آقاگل‌زاده، فرازنده پور و گلفام، ۱۳۸۹). با وجود مطالعات زیادی که در زمینه نحوه بازجویی در محاکم قضایی و زبان به کاررفته در آن وجود دارد، اما توصیف زبان به کاررفته از سوی بازجویان، مظنونین و شهود در فرایند بازجویی کمتر از منظر حوزه‌های زبانی مطرح شده است. در راستای

<sup>۱</sup>court discourse

<sup>۲</sup>court language

<sup>۳</sup>genre

مطالعات صورت گرفته حول مسأله این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:  
 شای<sup>۱</sup> (۱۹۹۳)، در اثر خود به بررسی جرایم زبانی و مشخصاً استفاده و سوء استفاده از ادله زبانی در دادگاه مبادرت نموده و سوء تعبیرهای به دست آمده از کاربرد زبان را مورد تحلیل قرار داد. در خصوص جرایم زبانی، وی اعمالی چون ارتشا، تهدید، مشارکت در جرم، شهادت دروغ و تحریف وقایع را مورد توجه قرار داد. شای در بررسی پرونده‌ای پیرامون دعوی مدنی که مربوط به معامله خودرو بود، نشان داد که اتهام وارده بر فرد ناشنوا و در نتیجه محکومیت آن مرد به زندان نادرست بوده است. شای از طریق تجزیه و تحلیل یادداشت‌های فروشنده و خریدار و همچنین بررسی موضوعات، کارگفت‌ها، توالی جمله و نوبت گیری‌ها در مکالمات آنان، پی به بی‌گناهی آن مرد برد. پس از ارائه شواهد و مدارک به دادگاه، هیئت منصفه به مجازات فرد خاطی اقدام نموده و حق غرامتی برابر با شش میلیون دلار به مرد ناشنوا پرداخت کرد (به نقل از کلتارد و جانسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۸).

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در یک پژوهش تحلیلی-توصیفی، بر مبنای رویکرد مک-منامین (۲۰۰۴) به بررسی تأثیر عوامل کلامی و سبکی گفتمان حقوقی در انحراف از نشانگرهای کلامی و سبکی در گفتمان دادگاه‌های انقلاب مبادرت کردند. این محققان، داده‌ها را به روش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل نموده و بسامد تغییر و انحراف از نشانگرهای مد نظر مک‌منامین را با توجه به الگوهای گفتمانی دادگاه در سه طبقه هنجارهای تجویزی، توصیفی و آماری رده-بندی نمودند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد که کاربرد نشانگرها، نقش تعیین‌کننده‌ای در جایگاه فردی و اجتماعی قاضی و متهم ایفا می‌کند. این محققین اعلام کردند که در تحلیل آنان، عدم رعایت الگوهای گفتمانی فوق‌الذکر در متهمان بیش از قضات بوده و تفاوت معناداری بین قضات و متهمان در تغییر کلام معیار در هر سه الگوی گفتمانی وجود داشت. با این حال، در مقایسه با یکدیگر تفاوت معناداری در رعایت کلام معیار و انحراف از نشانگرهای کلامی و سبکی مشاهده نشد. انحراف از هنجارها در دو طرف، مشاهد<sup>۳</sup> محسوسی نداشت. بنابراین، در خصوص هر دو پرسش تحقیق، پژوهشگران اذعان داشتند که هم قاضی و هم متهم از الگوهای گفتمانی به طور متفاوت بهره می‌گیرند و میزان انحراف آن‌ها از چنین هنجارهایی نیز با یکدیگر

<sup>1</sup>Shuy

<sup>2</sup>Coulthard & Johnson

فرق می‌کند؛ چرا که افراد برحسب میزان روابط قدرت از گفتمان‌های مختلف استفاده می‌کنند تا هویت کسب نمایند. محققان در پایان اعلام کردند که در داده‌های مورد تحلیل، در برخورد قاضی هیچ سوء رفتار یا انحراف از هنجارهای گفتمانی دیده نشد. قاضی با حفظ موقعیت اجتماعی خود قوانین و هنجارهای اجتماعی را رعایت می‌کند، اما متهم در بخشی از پاره گفتار خود از قوانین سرپیچی کرده و از هنجارهای اجتماعی منحرف می‌شود.

نجفی و حق‌بین (۱۳۹۹) به مطالعه مشخصه‌های زبان در حین فرایند بازجویی و گفتمان موجود در آن پرداختند. به زعم این دو محقق، چگونگی پیشبرد ارتباط کلامی از سوی بازجو به منظور دستیابی به حقیقت سخنان بازجوشونده، مهم‌ترین مسئله در فرایند بازجویی است. در این راستا، فرد بازجو از راهبردهایی جهت پیشبرد گفتمان به شیوه موردنظر خود استفاده می‌کند. در مطالعه این پژوهشگران، مشارکان تعامل بازجویی به دو دسته افراد متخصص شامل پلیس، قاضی و وکیل که آشنایی کامل با قانون و زبان قانونی دارند و همچنین افراد غیرمتخصص شامل متهم، شاکی و شاهد که با قانون آشنایی ندارند یا دست کم آشنایی کمی دارند، تقسیم شدند. در این جستار که پیکره‌ای متشکل از ده پرونده قضائی داشت، با تحلیل تعامل گفتاری بین فرد متخصص (قاضی) و فرد غیرمتخصص (متهم، شاکی)، انواع راهبردهای مورد استفاده بازجو شامل صورت‌بندی پرسش، استفاده از پرسش مکرر، بندهای نقل قول، تقابل، استفاده از عبارت «خب» به منزله نشانگر گفتمان‌ساز و قطع کلام استخراج گردید.

زائری، آقاگل‌زاده و عامری (۱۳۹۶)، در یک پژوهش تحلیلی توصیفی که به روش میدانی صورت گرفت، به بررسی شیوه‌های زبانی و فرازبانی اقناع توسط متهمان در دادگاه‌های کیفری شیراز اقدام نمودند. در این مطالعه که بر روی گویش شیرازی انجام گرفت، پژوهشگران در پی دستیابی به پاسخ این پرسش بودند که چگونه کنش‌گران از دانش زبان‌شناسی که شامل نحو، معنی‌شناسی، کاربردشناسی، و غیره می‌شود و همچنین دانش فرازبانی جهت اقناع قاضی بهره می‌گیرند. یافته‌های حاکی از آن بود که این افراد (متهمان) با مدد از راهبردهای کاربردشناسی همچون حذف، اظهار، نام‌دهی، برانگیختن احساسات قاضی، انکار جرم و همچنین با کمک از شیوه‌های فرازبانی از قبیل گریه و سکوت به این هدف (اقناع قاضی) در گفتمان دادگاه نائل می‌آیند.

مؤمنی (۱۳۸۹)، در پژوهش دیگری، مسئله شهادت در دادگاه را با توجه به ویژگی‌های زبانی

مورد بررسی قرار داد. او پژوهش خود را در دو بخش پی گرفت. در بخش نخست، وی به بررسی سبک کلام به هنگام شهادت پرداخت و با گردآوری داده‌ها از سی آزمودنی به این نتیجه رسید که سبک کلام به دو دسته سبک ضعیف و سبک قوی تقسیم می‌شود و هر کدام دارای ویژگی‌های خاصی هستند (مانند تنوع واژگانی برای سبک کلامی قوی و جمله‌های ناتمام برای سبک کلامی ضعیف). در بخش دوم نیز، نگارنده مقاله به اثبات شهادت دروغ از طریق ابزارهای زبانی مبادرت نمود. برای این منظور، وی با تحلیل یک پرونده واقعی (آقای برونستون در ایالات متحده) و با استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی مانند تلویح، انسجام دستوری، اصول مشارکت و غیره ثابت کرد که فرد مظنون به اتهام شهادت دروغ، مجرم است و از این رو می‌توان وجود جرم را اثبات کرد.

پیشینه پژوهش این مطالعه با بررسی دقیق و انتقادی تحقیقات اخیر در حوزه زبان‌شناسی حقوقی نشان داد که در عرصه مکالمه‌کاوی در بافت دادگاه با کمبود و محدودیت‌های پژوهشی تطبیقی بین ضابطین دادگاه نظیر قضات، نمایندگان دادستان، بازپرسان، وکلا، شهود و مطلعین مواجه هستیم. تحقیق حاضر سعی می‌کند این کمبودها را مرتفع نماید.

### ۳. سبک‌شناسی حقوقی

سبک‌شناسی گفتاری مطالعه علمی الگوهای گونه‌زبانی در زبان گفتاری است. هدف از این مطالعه، تعیین زبان فردی است که منجر به توصیف و تشخیص ویژگی‌های زبانی یک شخص می‌شود (احمد<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). بر همین اساس، سبک‌شناسی حقوقی به‌عنوان بکارگیری علم سبک‌شناسی زبانی در بافت‌های حقوقی تعریف می‌شود (مک‌منامین، ۲۰۰۴). تأکید این حوزه بر ساختار زبان است و می‌توان از آن در تجزیه و تحلیل گفتار استفاده نمود که به صورت مکالمات ضبط شده، مصاحبه‌ها و غیره هستند (فتاحی پور، ۱۳۹۵). کارکرد اصلی این حوزه در تعیین هویت فرد مورد اتهام است که با تحلیل سبک زبان گفتاری مظنونین همراه می‌باشد. این حوزه بر این اصل استوار است که گفتار انسان‌ها از لحاظ سبکی و ساختاری خاص آنها بوده و بر گونه‌پذیری ذاتی زبان تکیه دارد. بر طبق این اصل، هیچ دو گوینده‌ای در یک زبان دقیقاً به شیوه یکسان صحبت نمی‌کنند.

سبک فردی در گفتار، در الگوهای اصلی زبانی و معمول یک گوینده درون‌سازی شده و

<sup>1</sup>Ahmad

نمایان می‌گردد و در طول زندگی فرد شکل می‌گیرد. یک زبان، به صورت هم‌زمان به وسیله تمام گویشوران آن فرا گرفته می‌شود، ولی به صورت منحصر به فرد توسط آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب، الگوهای سبکی عام مخصوص یک منطقه و افراد آن جامعه بوده و الگوهای سبکی خاص، مختص به یک فرد می‌گردد. از این رو می‌توان سبک فردی را از سبک عام یا اجتماعی جدا کرد (راسخ مهند، ۱۳۹۹). به عنوان مثال، سبک گفتاری در گویش اصفهانی یک سبک عام و تکیه کلام در یک فرد خاص می‌تواند سبک فردی یا خاص تلقی شود (علی - نژاد و نجف‌پور، ۱۴۰۰). صورت‌های زبانی از مجموعه انتخاب‌های همیشگی و فردی یک گوینده نشأت می‌گیرد. این که چرا یک گوینده، یک صورت زبانی را از میان صورت‌های زبانی دیگر انتخاب می‌کند، ناشی از تفاوت در دانش زبانی افراد است (ضمرالدين و عرفه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). در هر لحظه، گویشور آن عناصر زبانی را انتخاب می‌کند که بتواند به بهترین وجه مفاهیم ذهنی او را انتقال دهد. این انتخاب اغلب بر مبنای شرایط بیرونی تعیین می‌شود و سپس بر اثر به-کارگیری همیشگی یک صورت زبانی به جای صورت‌های دیگر است که به شکلی آگاهانه، تا حدی آگاهانه، نیمه آگاهانه و ناآگاهانه اتفاق می‌افتد (مک‌منامین، ۱۹۹۳).

رویکرد مذکور در تشخیص هویت گوینده بر این واقعیت بنا نهاده شده است که الگوهای زبانی خاص هر گوینده، معمولاً به حدی محرز هستند که از لحاظ تجربی با مشاهده و تحلیل زبانی دقیق، قابل توصیف و اندازه‌گیری بوده و تشخیص آن را امکان پذیر می‌سازد. بر این اساس، سبک‌شناسی زبان از دو شیوه تحلیلی در تشخیص هویت گوینده بهره می‌برد: کیفی<sup>۲</sup> و کمی<sup>۳</sup>. هر یک از این دو شیوه از لحاظ سبکی و ساختاری مد نظر قرار می‌گیرند (توروسانگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). در شیوه کیفی، ویژگی‌های سبک زبانی یک مکالمه آوانگاری شده، شناسایی می‌شوند و سپس به عنوان ویژگی‌های یک گوینده توصیف می‌گردند (جان‌استون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰). در شیوه کمی، پس از شناسایی نشانگرهای سبکی خاصی در گفته‌های آوانگاری شده مظنونین، این نشانگرها به شکل آماری مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، بسامد نسبی وقوع آنها محاسبه می‌گردد. شیوه‌های کیفی و کمی، مکمل یکدیگر بوده و اغلب به منظور

<sup>1</sup>Zamruddin & Arafah

<sup>2</sup>Qualitative

<sup>3</sup>Quantitative

<sup>4</sup>Tuurosong Tuurosong, Pelpuo & Bakuuro

<sup>5</sup>Johnstone



شناسایی، توصیف و اندازه‌گیری وجود و یا عدم وجود نشانه‌های یک سبک در گفته‌های مشخص و معین گویندگان بی‌هویت مورد استفاده قرار می‌گیرند (گران‌ت و بیکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

### ۱.۳ چگونگی تشخیص سبک گفتاری بر اساس نشانگرهای سبکی<sup>۲</sup> گفتمان

در شرایط تعیین هویت گوینده مظنون، یک گفته مورد اتهام و بی‌هویت را با مکالمات مشخص و معین از یک یا چند مظنون، مقابله و مقایسه می‌کنند. چنین قیاسی با بررسی و تحلیل سبک گفتاری تمامی این گفته‌ها همراه می‌شود. به منظور دستیابی به یک تحلیل درست از سبک گفتاری، نشانگرهای سبک گفتاری مورد توجه قرار می‌گیرند (مک‌منامین، ۲۰۰۱). در مطالعات سبک‌شناسی زبان، نشانگرهای سبکی کلامی را بر اساس سه ویژگی که مبتنی بر شناخت زبان معیار است، مشخص می‌کنند. زبان معیار یا هنجار، شکل استاندارد زبان تعریف می‌شود که بر مبنای آن انحراف از زبان معیار و یا گونه‌ای خارج از زبان معیار شناسایی می‌شوند (توروسانگ و همکاران، ۲۰۱۸). بر این اساس، سه ویژگی مذکور عبارتند از زبان معیار (به عنوان مثال، «به بازار می‌روم.»)، انحراف از زبان معیار در سبک فردی (به عنوان مثال، «به بازار می‌رم.») و گونه‌ای خارج از زبان معیار در سبک اجتماعی (به عنوان مثال، «مرُم بازار.» که سبک گویش خراسانی است). سپس با استفاده از شیوه‌های تحلیل کیفی و کمی که پیشتر به آنها پرداخته شد، این نشانگرهای سبکی در گفتار را مشخصه سبک فردی یا اجتماعی گوینده قلمداد می‌نمایند. انواع مختلفی از این نشانگرهای سبکی در گفتار از منظر مک‌منامین (۲۰۰۴) معرفی شده‌اند. این نشانگرها منحصر به فرد بوده و همچون اثر انگشت فرد می‌باشد. از آنجا که در این پژوهش، اصول توصیفی سبک گفتاری در زبان‌شناسی حقوقی از دیدگاه مک‌منامین مورد نظر است، بنابراین از میان نشانگرهای مد نظر وی، به آن دسته از نشانگرهایی که متناسب با اهداف تحقیق حاضر است، اشاره می‌گردد که به شرح ذیل معرفی شده‌اند:

<sup>1</sup>Grant & Baker

<sup>2</sup>style-markers

## جدول ۱: نشانگرهای سبکی گفتمان برگرفته از مک‌منامین (۲۰۰۴)

نشانگر	توضیح و مثال
* نحوه اسم پرسیدن، * خطاب افراد و یا * * * واکنش به خطاب اسم	* به عنوان مثال: خودتو معرفی کن، اسمت چیه؟، ما شما رو به چه اسمی صدا کنیم؟ * * * مثلاً: خانم نسرین خانم، جناب، آقای رضایی * * * مثلاً: بله، جانم، بفرمائید.
* تکرار واژه‌ای خاص به صورت تکیه کلام یا اشکال دیگر (* * دو تایی، * * * هم‌معنی)	* به عنوان مثال: استفاده مداوم از واژه «چیز»، «بعدش»، «مثلاً» * * * به عنوان مثال: بله، بله- نه، نه- درسته، درسته * * * به عنوان مثال: نوع جرم، نوع اتهام- دوست می‌شدند، رفیق می‌شدند.
* استفاده ناصحیح و یا نابجا از واژگان یا * * * استفاده از تصحیح کلمات یا جملات در متن	به عنوان مثال: اولاً...، دوماً...، سوماً... و یا اول اینکه، دوم اینکه. برای مثال استفاده زیاد از «بهرحال، درواقع، و، که، اگر، برای اینکه، چراکه،...» بهر حال ما آن شب در هتل نبودیم. درواقع با دوستانم برای اینکه خوش باشیم، کنار ساحل بودیم.
استفاده از کلمات، عبارات، ضرب- المثل‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحات خاص و یا کوچه بازاری	به عنوان مثال: آتو، یارو، حسش نبود، حال نمی‌داد.
عدم مطابقت فاعل و فعل (از لحاظ جمع و مفرد بودن)	مثال: <u>من</u> چند تا کتاب <u>خریده</u> بودیم.
حذف برخی از ارکان جمله	به عنوان مثال: سابقه دستگیری؟ اسمتون؟
استفاده از سبک گفتاری رسمی	به عنوان مثال: در این خصوص که چگونه اقدام به سرقت خودرو می‌کردید، برای دادگاه توضیح دهید.

یکی از کاربردهای نشانگرهای جدول ۱ شناسایی سبک گفتاری متهمان و تطبیق سبک گفتاری آنان با فایل‌های صوتی است که از طریق مقایسه گفته‌های کنونی و قبلی آن‌ها انجام می‌گیرد. این قیاس به‌عنوان شیوه‌ای جهت تشخیص هویت گفتاری نشان داده شده‌است.

در بررسی هویت گفتاری، فرضیه این است که گوینده متن معین و مشخص، همان متهم است، مگر خلاف آن ثابت شود. گوینده باید در موارد مشابه همان نوع گفتار را استفاده کرده باشد که دارای سبک و نشانگرهای خاص زبانی و منحصر به فرد است. از آنجا که نمونه‌های سبکی<sup>۱</sup> و زبانی<sup>۲</sup> هر فرد در مکالمات او به صورت ناخودآگاه هر روز استفاده می‌شود، بنابراین در جستجوی تعیین شباهت بین نشانگرهای سبکی و زبانی هر گفته اصلی<sup>۳</sup> با موارد بیانی از همان شخص باید بود. سپس با استفاده از معیارهای زبانی و آماری مناسب، تک تک شباهت‌های مهم را تعیین نموده و میزان درصد اطمینان در شناسایی مظنون را ذکر نمود. به عنوان مثال، یک شباهت زبانی مهم می‌تواند تکرار مشترک مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و نشانگرهای سبکی در گفتار باشد و یک شباهت آماری مهم نیز می‌تواند وجود یک ویژگی مشترک آماری در درصد بسامد نسبی وقوع یک نشانگر سبکی و زبانی مشابه در موارد قبلی و مورد اخیر مورد اتهام در گفته فرد در نظر گرفته شود (کریستال<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵). بر اساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این دو سؤال است:

۱. مقولات زبان‌شناسی کاربردی نظیر سبک گفتاری چگونه در مکالمات دادگاه باز نمود

می‌یابند؟

۲. چه تفاوتی بین قضات و متهمان در استفاده از مقوله سبک گفتاری وجود دارد؟

#### ۴. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، یک تحقیق ترکیبی و از نوع کیفی و کمی است و داده‌ها به دو روش توصیفی (محاسبه بسامد و درصد مؤلفه‌های اظهارشده توسط قضات و متهمان) و استنباطی (محاسبه تطبیقی مکالمات قضات و متهمان با آزمون فرضیه کی دو) تحلیل می‌شوند. پیکره زبانی این پژوهش را ۲۹ فیلم کوتاه و بلند، به روش نمونه‌گیری در دسترس، با مجموع زمان ۱۲۰ دقیقه و به تعداد ۵۳۰۵ جمله (۲۴۱۱ جمله مربوط به قضات و ۲۸۹۴ جمله متعلق به متهمان) تشکیل می‌دهند که همگی مربوط به جلسات علنی دادگاه‌های کیفری و جلسات بازپرسی ایران بوده و از تارنمای آپارات و آرشیو شبکه مستند صدا و سیما استخراج گردید. این فیلم‌ها با موضوعات

<sup>1</sup>stylistics

<sup>2</sup>linguistic

<sup>3</sup>questioned text or speech

<sup>4</sup>Crystal.

مختلف کیفری از قبیل سرقت، درگیری، آدم‌ربایی، قتل، آزار زنان، اختلاس، عملیات تروریستی، جاسوسی، فساد نفتی، فساد بانکی و غیره می‌باشند. در این پیکره زبانی، مکالمات بین قاضی و متهم مورد نظر و تحلیل قرار گرفت. پس از پیاده‌سازی مکالمات، جملات بر مبنای نشانگرهای سبک گفتاری مک‌منامین (۲۰۰۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این تحلیل بر اساس روش پژوهش شرر<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) و با توجه به تحقیقات کمی در زبان‌شناسی حقوقی بین قاضی و متهم انجام گرفت. در این پژوهش، واحد تحلیل مکالمات قاضی و متهم، جمله در نظر گرفته شد؛ چرا که واحد نوبت‌گیری، دارای جملات تغییرپذیر بوده و تعداد آنها از یک تا چند جمله در نوسان بود.

در خصوص اعتبارسنجی<sup>۲</sup> داده‌ها، تمامی مکالمات پیاده‌سازی و تحلیل آنها بر پایه پرسش‌های تحقیق، توسط سه زبان‌شناس مورد بررسی قرار گرفت. به منظور اطمینان از روایی پژوهش، بیست درصد از داده‌ها توسط زبان‌شناسان مذکور بررسی شد که از طریق رابطه همبستگی پیرسون و با استفاده از نرم‌افزار آماری<sup>۳</sup> (SPSS نسخه ۲۴)، ضریب روایی (۰/۸۲) به دست آمد. به عبارت دیگر در ۸۲ درصد از موارد تحلیلی، توافق حاصل شد.

بعد از تحلیل داده‌های این پژوهش بر مبنای نشانگرهای سبکی گفتمان، نخست محاسبه آمار توصیفی انجام گرفت. برای این منظور، بسامد هر یک از نشانگرهای سبکی گفتمان در مکالمات قضات و متهمان شمارش و درصد آنها به صورت مقایسه‌ای در جداول مربوطه ثبت گردید. در بررسی این آمار، وجود حداقل بیست درصد اختلاف در بسامد نشانگرهای مذکور بین قاضی و متهم، به منزله «اختلاف فاحش» در نظر گرفته شد (بگدان و بیکلن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). در همین راستا، چنانچه اختلاف موجود بین پنج تا بیست درصد بود، به مثابه «اختلاف متوسط» و اگر این اختلاف کمتر از پنج درصد بود، به عنوان «اختلاف کم» تلقی گردید.

در این پژوهش همچنین از آمار استنباطی (آزمون کی دو<sup>۵</sup>) جهت تشخیص اختلاف معنادار در سبک گفتاری مکالمات دو گروه مورد پژوهش استفاده گردید. آزمون کی دو به این دلیل

<sup>۱</sup>Schreier

<sup>۲</sup>validity

<sup>۳</sup>Statistical Package for Social Sciences

<sup>۴</sup>R. C. Biklen Bogdan & S. K. Biklen. *Qualitative research for education: An introduction to theory and methods* (5<sup>th</sup> ed.). Boston: Allyn & Bacon. 2007.

<sup>۵</sup>Chi-square ( $X^2$ )

انجام گرفت که تحلیل داده‌های این پژوهش از نوع کیفی بوده و شامل آمار ناپارامتریک می‌شدند که از این طریق، گروه قضات و متهمان مقایسه و رابطه معناداری آنها کشف گردید (کرسول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). بر این اساس، هر کدام از فرضیه‌های صفر با احتساب میانگین فراوانی مقوله‌ها، توسط آماره کی دو به آزمون گذاشته شدند. در محاسبه این آزمون چنانچه «درجه معناداری»<sup>۲</sup> کوچکتر از ۰/۰۵ بدست آمد، به منزلهٔ اختلاف معنادار در استفاده از مقوله مورد نظر بین دو گروه قضات و متهمان در نظر گرفته شد.

#### ۵. سبک‌شناسی گفتمان قضات و متهمان در دادگاه

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش بر اساس آمار توصیفی و استنباطی در ۲۹ پرونده انجام شده است. اما به دلیل حجم بالای داده‌های تحلیل شده، تنها نمونه ایی از آنها آورده شده است. بخشی از دفاعیات دومین جلسه رسیدگی به پرونده عبدالحسین کرباسچی، شهردار سابق تهران قاضی: شما یعنی اجازه داشتید (جابجایی ارکان جمله) با ارزش تخصیصی ریاست جمهوری، دستگاه چایی را برای روزنامه وارد کنید و همان موقع به قیمت آزاد بفروشید؟ (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** بله. چرا اینو به عنوان جرم برای من تلقی کردید؟

**قاضی:** این گونه نیست. شما می‌فرمایید این را اجازه داشتیم. ولی نداشتید. ارزش ۳۰۰ تومانی هم نبوده. ارزش ردیف مشخصی دارد و برای مصرف شخصی است. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** نامه من اینه که ارزش رو برای ماشین آلات و موارد مصرفی به ما بدید.

**قاضی:** بعد بیرید بازار آزاد بفروشید. (کاربرد جمله در قالب کنایه)

**متهم:** بحث بازار آزاد و بازار زندانی (استفاده از واژگان متضاد در کنار هم به منظور کنایه) نبوده. ما ارزش رو نبردیم بفروشیم. شما وقتی به کسی حقوق می‌دید، به او نمی‌گید که اگر با این حقوق فلان کار رو کردید، شما رو به زندان می‌ندازیم.

**قاضی:** حقوق نه. اگر یک مرجع رسمی پول داد به شما کاغذ بخرد برای روزنامه، حق نیست (استفاده از عبارات خاص و نامتداول) که کاغذ را بخرد و بیرید بازار آزاد بفروشید. آنچه که

<sup>1</sup>J. W. Creswell. *Thousand Oaks*. (3<sup>rd</sup> ed.). CA: Sage. 2009.

<sup>2</sup>P-value

**جنابعالی** (استفاده از القاب محترمانه در خطاب به مخاطب در معنای غیرواقعی) می‌فرماید با آن چیزی که اتفاق افتاده، فرق دارد. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** یعنی شما می‌فرمایید این خلافه؟

**قاضی:** بله، خلاف است. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** جنابعالی (استفاده از القاب محترمانه در خطاب به مخاطب در معنای غیرواقعی) باز جو نیستید.

شما قاضی هستید. بگذارید حرفم رو بزنم، بعد شما حکم بدید.

**قاضی:** شما حرف خودتان را زدید. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** نگفتم.

**قاضی:** شما می‌گویید این نامه به درد نمی‌خورد. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** من هنوز صحبت دارم.

**قاضی:** صحبت شما در این خصوص تمام شد. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**قاضی:** کلام منعقد شد. بالاخره نفرمودید که این حساب، شخصی است یا نه. دوم اینکه (استفاده

ناقص از اعداد ترتیبی) این پول مال مدیران است. این مجوز که شما می‌گویید، من این طور

استفاده می‌کنم {برداشت می‌کنم} {کاربرد عبارات خاص} که پول مال شهرداری است. با اجازه

فرض کنید، اجازه صحیح، با اجازه صحیح - با اجازه وزیر کشور وقت - شما از این حساب

شهرداری، پول را برده‌اید به حساب دیگری و آنجا هم اختیار داشته‌اید که در مواردی که

مشخص شده، مصرف کنید، درست است؟ (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** خیر، درست نیست.

**قاضی:** پس چطور است؟ (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** پول مال شهرداری نیست، آقای محسنی [نام قاضی]. (استفاده از نام خانوادگی با القاب

محترمانه در خطاب افراد)

**قاضی:** پول شهرداری بوده.

**متهم:** «بوده». فعل جمله، ماضیه. (استفاده از کنایه)

**قاضی:** پول مال شهرداری بوده. شما با مجوز وزیر کشور این پول را برداشته و به حسابی که باز

کرده‌اید، ریخته‌اید و از آن با مجوزی که از وزیر کشور داشته‌اید، مصرف کرده‌اید. آیا برداشت

من درست است؟ (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** پول مال شهرداری نیست، بعد از آنکه برداشت شد و هزینه شد. (جابجایی ارکان جمله) الان هزار تومن از حقوق من در کیفم مانده. این قبلاً مال شهرداری بوده. ولی وقتی که فیش صادر شد، مال من شده. شما (استفاده نابجا از ارکان جمله) اگر من این هزار تومن رو به کسی بدم، شما می‌گید که پول شهرداری رو داده‌ام؟

**قاضی:** به‌خاطر اینکه آن پول در کیف شما نبوده است. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)  
**متهم:** حساب شخصی مثل کیف آقای محسنی. پرسید. (استفاده از کنایه) (استفاده از نام خانوادگی با القاب محترمانه در خطاب افراد)

**قاضی:** بسیار خوب. سؤال ما همین است. شما می‌گویید وزیر کشور مجوز داده که من در این راه‌ها مصرف کنم. اجازه داده که شما چه پولی را در این راه مصرف کنید؟ پول خودتان را، پول مدیران را، یا پول شهرداری؟ اگر پول مدیران بوده که وزیر کشور نمی‌تواند به شما مجوز دهد پول مدیران را به غیر از مدیران بدهید و در جای دیگر مصرف کنید. این مجوز حاکی از آن است که یک پولی است که قبلاً مال شهرداری بوده، با اجازه و فرضاً اجازه صحیح، وارد این حساب شده و شما هم اختیار داشته‌اید که در این موارد خرج کنید. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** این اختلاسه؟

**قاضی:** بله. پول شهرداری است. پول شخصی نیست. آقایان .... هیچ کدام اجازه تصرف در این پول را نداشتند و هیچ کدام هم ادعا نمی‌کنند که پول مال آنهاست. (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** خوب، اون وقت این اختلاسه؟ (استفاده متناوب از کلمات ربطی بصورت تأکیدی)  
**قاضی:** بله. پول شهرداری است.

**متهم:** با وجود این، باز هم اختلاسه؟ (استفاده متناوب از کلمات ربطی بصورت تأکیدی)  
**قاضی:** بله.

**قاضی:** در بازداشت، خود شما به من گفتید که می‌خواستم منزل را بسازم، پول نداشتم. از آقای .... وام گرفتم. پول آن را چک دادند و این چک را هم بعداً تمدید کردم. یعنی آن مطلب درست نبود؟ (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** حالا ببینید که جمله اونجا چطور مطرح شده. نمی‌دونم. من عرضم این بود (تکرار یک

عبارات خاص) که شما گفتید من داشتم خانه می‌ساختم. ایشون به من پیشنهاد وام دادند، من گرفتم و وام شخصی هم دادند. من عرض نکردم پول را در خانه خرج کرده‌ام. (تکرار یک عبارات خاص)

**قاضی:** آیا شما به صورت کتبی به معاونت اداری - مالی و آقای .... دستور داده بودید که این مبلغ را به عنوان وام به آقای .... بپردازند؟ (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

**متهم:** حساب مدیران قبلاً توضیح داده شده. برداشت شهرداری و برداشت بنده از این حساب بوده که حساب شخصی است و ما در این حساب معمولاً دستورات کتبی نمی‌دادیم. به آقایان می‌گفتم و عمل می‌کردند.

**قاضی:** سؤال من این است، اول جواب بدهید و اگر مدرکی هم دارید، ارائه دهید. (استفاده ناقص از اعداد ترتیبی) شما فرمودید به طور معمول در خصوص مورد. (بهم ریختگی ارکان جمله) من سؤال می‌کنم آیا شما برای پرداخت این مبلغ به آقای ....، به صورت کتبی برای آقای .... چیزی را نوشته‌اید که شما این را بابت وام به آقای .... بدهید؟ (استفاده از سبک گفتاری رسمی)

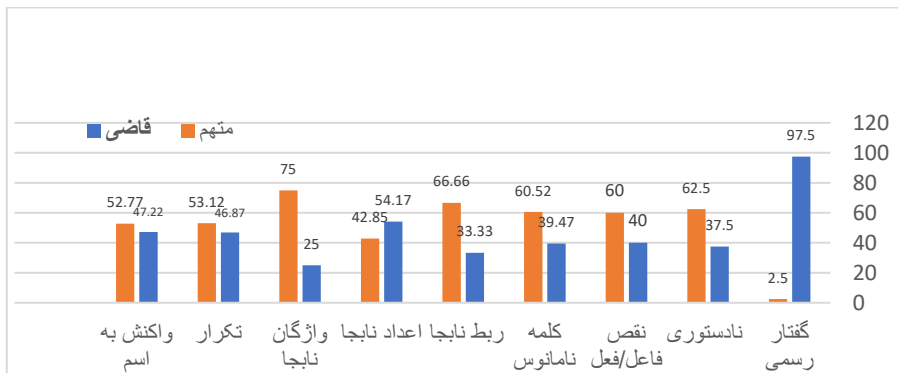
**متهم:** خیر.

#### جدول ۲: سبک گفتاری

ردیف	نشانگرها	قاضی	درصد	متهم	درصد
۱	واکش به اسم	۱۵۳	۴۷/۲۲	۱۷۱	۵۲/۷۷
۲	تکرار	۴۵	۴۶/۸۷	۵۱	۵۳/۱۲
۳	واژگان نابجا	۵	۲۵	۱۵	۷۵
۴	اعداد نابجا	۱۲	۵۷/۱۴	۹	۴۲/۸۵
۵	ربط نابجا	۳	۳۳/۳۳	۶	۶۶/۶۶
۶	کلمه نامأنوس	۴۵	۳۹/۴۷	۶۹	۶۰/۵۲
۷	نقص فاعل / فعل	۶	۴۰	۹	۶۰
۸	نادستوری	۹	۳۷/۵	۱۵	۶۲/۵
۹	گفتار رسمی	۱۱۷	۹۷/۵	۳	۲/۵
جمع		۳۹۵	۵۳/۱۶	۳۴۸	۴۶/۸۳



طبق جدول ۲ و آمار بدست آمده از بررسی نشانگرهای سبک گفتاری در داده‌های پژوهش حاضر، چنین آشکار شد که در مکالمات قاضی، نشانگر «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم» بالاترین میزان وقوع و نشانگر «استفاده مکرر از کلمات ربطی بین جملات و یا استفاده از یک کلمه ربطی خاص در پیوند متوالی چند جمله» پایین‌ترین بسامد را داشته است. همچنین در مکالمات متهم، نشانگر «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم» بیشترین تکرار و نشانگر «استفاده از سبک گفتاری رسمی» کمترین بسامد را دارا بوده است.



نمودار ۱: فراوانی نشانگرهای سبک گفتاری در گفتمان دادگاه بین قاضی و متهم

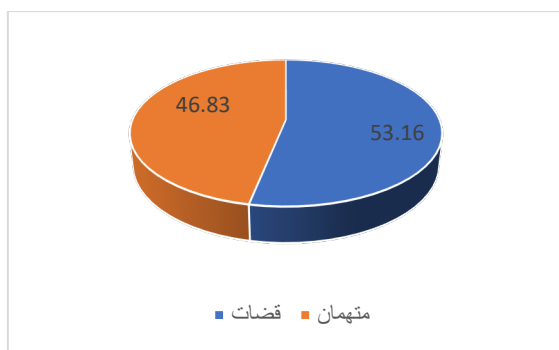
نمودار ۱ نشان می‌دهد که قضات و متهمان از تمامی نشانگرهای سبک گفتاری، کم و بیش در مکالمات دادگاه استفاده نموده و در بکارگیری برخی از آنها مانند «گفتار رسمی» و «واژگان نابجا»، دارای اختلاف معنادار با یکدیگر می‌باشند.

جدول ۳: آزمون فرضیه متغیر سبک گفتاری در گفتمان دادگاه

ردیف	نشانگرها	قاضی	متهم	کی دو	درجه آزادی	معناداری
۱	واکنش به اسم	۱۵۳	۱۷۱	۱۲۰/۷۷	۸	۰/۰۰۱
۲	تکرار	۴۵	۵۱			
۳	واژگان نابجا	۵	۱۵			
۴	اعداد نابجا	۱۲	۹			
۵	ربط نابجا	۳	۶			
۶	کلمه نامأنوس	۴۵	۶۹			

۷	نقص فاعل/فعل	۶	۹
۸	نادستوری	۹	۱۵
۹	گفتار رسمی	۱۱۷	۳
جمع		۳۹۵	۳۴۸

جدول ۳ نشان می‌دهد که سبک گفتاری بین قضات و متهمان با درجه آزادی ۸، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ و کی دو ۱۲۰/۷۷ تفاوت معناداری دارد. به عبارت دیگر، قضات و متهمان در بکارگیری شیوه سخن در مکالمات دادگاه با یکدیگر اختلاف چشمگیری دارند. در نتیجه، فرضیه صفر شماره ۲ مبنی بر عدم تفاوت در بکارگیری نشانگرهای سبک گفتاری در کلام قضات و متهمان در دادگاه، رد می‌گردد.



نمودار ۲: درصد استفاده از سبک گفتاری توسط قضات و متهمان در گفتار دادگاه

نمودار ۲ نشان می‌دهد که قضات و متهمان در استفاده از متغیر سبک گفتاری در مکالمات دادگاه، دارای اختلاف در استفاده از نشانگرهای سبکی هستند. قضات بیشتر نشانگرهای سبک رسمی گفتمان و متهمان از سبک غیررسمی را به کار گرفته‌اند و این اختلاف در سبک گفتمان چشمگیر می‌باشند.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

از بررسی آمار حاصل از تحلیل داده‌های این پژوهش مشخص گردید که در متغیر «سبک گفتاری»، قضات بیشترین تا کمترین بسامد را در نشانگرهای «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم»، «استفاده از سبک گفتاری رسمی»، «تکرار واژه، عبارت و یا جمله‌ای خاص در سخن» و «استفاده از کنایه، اغراق و یا کلمات، عبارات و اصطلاحات خاص و یا کوچه بازاری» بطور مساوی، «استفاده مداوم یا ناقص از اعداد ترتیبی»، «بهم ریختگی (جابجایی) یا

حذف برخی از ارکان ساختاری جمله»، «عدم مطابقت فاعل و فعل (از لحاظ جمع و مفرد بودن)»، «استفاده ناصحیح و یا نابجا از واژگان و یا استفاده از تصحیح کلمات یا جملات در متن»، و «استفاده مکرر از کلمات ربطی بین جملات و یا استفاده از یک کلمه ربطی خاص در پیوند متوالی چند جمله» داشته‌اند. همچنین آشکار گردید که متهمان بیشترین تا کمترین تکرار را در نشانگرهای «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم»، «استفاده از کنایه، اغراق و یا کلمات، عبارات و اصطلاحات خاص و یا کوچه بازاری»، «تکرار واژه، عبارت و یا جمله‌ای خاص در سخن»، «استفاده ناصحیح و یا نابجا از واژگان و یا استفاده از تصحیح کلمات یا جملات در متن» و «بهم ریختگی (جابجایی) یا حذف برخی از ارکان ساختاری جمله» بطور یکسان، «استفاده مداوم یا ناقص از اعداد ترتیبی» و «عدم مطابقت فاعل و فعل (از لحاظ جمع و مفرد بودن)» بطور مساوی، «استفاده مکرر از کلمات ربطی بین جملات و یا استفاده از یک کلمه ربطی خاص در پیوند متوالی چند جمله»، و «استفاده از سبک گفتاری رسمی» کسب کرده‌اند. همانطور که مشخص است، نشانگر «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم» در قضات و متهمان بیشترین بسامد را دارا می‌باشد (قضات ۱۵۳ و متهمان ۱۷۱ مورد). علت این رخداد آن است که در طول محاکمه، هر دو طرف مرتباً یکدیگر را مورد خطاب قرار می‌دهند. اما دلیل بسامد بیشتر این نشانگر در کلام متهمان را می‌توان به احترامی که آنان برای قضات قائل هستند، نسبت داد. علت دیگر این امر می‌تواند تلاش متهمان در مقاعدسازی قضات باشد که بطور مکرر رخ داده و لاجرم با خطاب بیشتر مخاطب همراه می‌گردد. در مقابل، علت بسامد کمتر این نشانگر در کلام قضات را می‌توان به بی‌نیازی آنان از توجیه سخنان خود در برابر متهمان عنوان نمود.

همچنین، در بیان علت وقوع حداقلی نشانگر «استفاده مکرر از کلمات ربطی بین جملات و یا استفاده از یک کلمه ربطی خاص در پیوند متوالی چند جمله» در کلام قضات (به میزان ۳ مورد)، می‌توان این عامل را به استفاده چشمگیر قضات از سبک گفتاری رسمی نسبت داد که در این خصوص آنان بسامد بسیار بالایی داشته‌اند. از آنجا که سبک گفتاری هر فرد مبین شرایط روحی، ویژگی‌های شخصیتی و همچنین موقعیت شغلی و اجتماعی اوست، لذا در گفتمان دادگاه به راحتی می‌توان از این موضوع میزان قدرت، نفوذ، وابستگی سازمانی و ارتباط افراد را با پرونده تشخیص داد. بر این اساس دیده می‌شود که متهمان کمترین رخداد را در نشانگر

«استفاده از سبک گفتاری رسمی» (به میزان ۳ مورد) کسب کرده‌اند. علت این امر را می‌توان در عدم آگاهی متهمان از مفاد قانونی، سبک سخن در دادگاه و یا وجود اضطراب و نگرانی از فرجام کار دانست. بنابراین، این دسته از افراد تمرکز کمتری در استفاده از سبک گفتاری رسمی داشته‌اند.

دستاوردهای تحقیق مؤمنی (۱۳۸۹) از این جهت با پژوهش حاضر تطابق دارد که این محقق به این نتیجه دست یافت که در انتخاب سبک کلام بین دو دسته ضعیف و قوی، متهمان بیشتر از سبک کلام ضعیف و با ویژگی‌هایی چون «تکرار واژگان»، «استفاده از جملات ناتمام»، و «عدم ارتباط بین جملات» بهره می‌برند. چنان‌که از آمار حاصل از جدول ۱ پیداست، متهمان این پژوهش نیز نسبت به قضات استفاده بیشتری از این نشانگرها داشته‌اند. مضاف بر این، در مطالعه نجفی و حق‌بین (۱۳۹۹)، راهکارهای «صورت‌بندی پرسش»، «استفاده از پرسش مکرر»، «بندهای نقل قول»، «تقابل» و «استفاده از عبارت خب» به منزله نشانگر گفتمان‌ساز فرد پرسشگر نظیر قاضی و یا بازپرس معرفی شدند که با یافته‌های پژوهش حاضر مطابقت ندارد. در نتیجه، فرضیه صفر شماره یک مبنی بر عدم بازنمایی مقوله سبک گفتاری بین مکالمات قضات و متهمان، رد می‌گردد.

همچنین، آنچه که از جدول شماره ۲ و از مقایسه بسامد انواع نشانگرهای مقوله «سبک گفتاری» در مکالمات قضات و متهمان حاصل می‌شود، حاکی از آن است که این دو گروه، اختلاف (۵٪) در استفاده از نشانگر «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم» دارند. نتایج نشان داد که در خصوص نشانگر فوق، قضات و متهمان با شیوه اشاره به یکدیگر آشنایی دارند و شاید این امر به دلیل آگاهی آنها از نحوه مکالمه در دادگاه باشد. در خصوص بکارگیری شاخص «استفاده مداوم یا ناقص از اعداد ترتیبی» نیز، قضات با اختلاف متوسط (۱۵٪)، مبادرت بیشتری به استفاده از اعداد ترتیبی داشتند. علت بروز این آمار می‌تواند اطلاع هر دو گروه، بویژه قضات از شیوه ترتیب کلام و انجام یک گفتمان منطقی در بافت دادگاه باشد. همچنین در کاربرد شاخص «تکرار واژه، عبارت و یا جمله‌ای خاص در سخن» مشخص شد که متهمان با اختلاف متوسط (۶٪)، استفاده بیشتری از تکرار واژگان خاص در کلام خود داشتند. در این راستا، مشاهده شد که قضات و متهمان در مکالمات خود از واژگان رایج این بافت استفاده نمودند. از آنجا که یک دسته از متهمان این پژوهش را اشخاصی تشکیل می‌دادند

که خود دارای تحصیلات و سوابق شغلی مرتبط با بافت حقوقی بودند (مانند متهم طبری). از این رو، در کاربرد شاخص‌های فوق در کلام، دچار اختلاف معنادار با قاضی نشده‌اند. یافته‌ها، همچنین، نشان داد که قضات در نشانگر «استفاده از سبک گفتاری رسمی» دارای اختلاف فاحش (۹۵٪) با متهمان هستند. این استفاده وسیع از سبک گفتار رسمی توسط قضات از دانش و تسلط آنان بر قوانین قضاوت و آیین دادرسی نشأت می‌گیرد. قطعاً مواجهه با اختلاس‌گران کار کشته، سیاستمداران خبره و مدیران ارشد تحصیل کرده در نقش متهم، اشراف بر سطح بالایی از دانش واژگانی و برخورداری از سلاست زبان و لهجه نیاز دارد که قوه قضائیه با علم به این مسئله، قضات واجد شرایط را مأمور رسیدگی به این پرونده‌ها می‌کند. از طرف دیگر، تمامی پرونده‌هایی که پیکره این پژوهش را تشکیل می‌دهند در جلسات علنی مورد رسیدگی قرار گرفته که این موضوع بر توجه جدی‌تر قضات به استفاده از سبک گفتاری رسمی افزوده است.

مضاف بر این، آمار این پژوهش آشکار کرد که متهمان در نشانگرهای «استفاده ناصحیح و یا نابجا از واژگان و یا استفاده از تصحیح کلمات یا جملات در متن» (۵۰٪)، «استفاده مکرر از کلمات ربطی بین جملات و یا استفاده از یک کلمه ربطی خاص در پیوند متوالی چند جمله» (۳۳٪)، «استفاده از کنایه، اغراق و یا کلمات، عبارات و اصطلاحات خاص و یا کوچه بازاری» (۲۱٪)، «عدم مطابقت فاعل و فعل (از لحاظ جمع و مفرد بودن)» (۲۰٪) و «بهم ریختگی (جابجایی) یا حذف برخی از ارکان ساختاری جمله» (۲۵٪) دارای اختلاف معناداری با قضات می‌باشند. در بحث دلیل بروز این آمار می‌توان متهمان را در دو دسته متفاوت مورد بررسی قرار داد. جدا از دسته اول که شرح آنها داده شد، دسته دوم شامل متهمانی است که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی عضو طبقه پایین جامعه بوده و بصورت اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی قبلی مرتکب جرم شده‌اند. بدیهی است که این افراد بدون هرگونه پشتوانه و حمایت از سوی گروه و جناحی خاص، در تلاش هستند تا در بدترین شرایط روحی از خود دفاع کنند. از آنجا که گاه‌آین افراد از تحصیلات و موقعیت‌های شغلی مناسبی نیز برخوردار نیستند، لذا این ازهم‌گسیختگی در ساختار جملات، کاربرد ناصحیح واژگان و استفاده از اصطلاحات خیابانی و بسیار عامیانه می‌تواند حاصل تنش در این موقعیت گفتمانی باشد. بنابراین فرضیه صفر شماره دو مبنی بر اینکه «بین نشانگرهای سبک گفتاری قضات و متهمان تفاوتی وجود ندارد.» رد می‌گردد.

برقراری یک ارتباط مؤثر در گفت‌وگو، فرایند پیچیده‌ای است که مستلزم آشنایی با پدیده‌ها، نظریه‌ها و مسائل مختلف زبانی جهت درک مناسب این گفت‌وگو می‌باشد. قضاوت عادلانه در این بافت به چگونگی برقراری این ارتباط بین مشارکان گفت و گو و شناخت آنان از زبان حقوقی بستگی دارد. هدف از این مطالعه، ارائه بینشی از نحوه عملکرد زبان در بافت حقوقی از طریق شناسایی ابزارهای زبانی نظیر سبک گفتاری در کلام قضات و متهمان به عنوان دو عنصر اصلی دادرسی بود. از بررسی متغیر «سبک گفتاری» بر اساس نشانگرهای سبک گفتاری مک‌منامین (۲۰۰۴) در پیکره مکالمات این پژوهش مشخص شد که قضات بیش از متهمان مبادرت به استفاده مناسب از نشانگرهای سبک گفتاری داشته‌اند (جدول ۳ و نمودار ۲).

در این خصوص آنان با اختلاف معنادار در استفاده از نشانگر «استفاده از سبک گفتاری رسمی» و بهره‌گیری بیشتر از نشانگر «استفاده مداوم یا ناقص از اعداد ترتیبی» توانستند سبک گفتاری خود را از متهمان متمایز نمایند. متهمان نیز به نسبت قضات، به ترتیب استفاده بیشتری از نشانگرهای «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم»، «استفاده از کنایه، اغراق و یا کلمات، عبارات و اصطلاحات خاص و یا کوچه بازاری»، «تکرار واژه، عبارت و یا جمله‌ای خاص در سخن»، «استفاده ناصحیح و یا نابجا از واژگان و یا استفاده از تصحیح کلمات یا جملات در متن»، «بهم ریختگی (جابجایی) یا حذف برخی از ارکان ساختاری جمله»، «عدم مطابقت فاعل و فعل (از لحاظ جمع و مفرد بودن)» و «استفاده مکرر از کلمات ربطی بین جملات و یا استفاده از یک کلمه ربطی خاص در پیوند متوالی چند جمله» داشتند که بجز در دو نشانگر «نحوه اسم پرسیدن، خطاب افراد و یا واکنش به خطاب اسم» و «تکرار واژه، عبارت و یا جمله‌ای خاص در سخن»، تفاوت کاربرد در سایر نشانگرها معنادار بوده است. دلیل این امر شاید در تجربه قضات در دادرسی، اشراف بر دادگاه و آگاهی از قوانین باشد و این در حالی است که بسیاری از متهمان، اولین تجربه حضور در محکمه را داشته و از قوانین حقوقی و مقررات دادگاه آگاهی نداشتند. نتایج این پژوهش نشان از کارآمدی و توانمندی نشانگرهای سبک گفتاری مک‌منامین (۲۰۰۴) در تشخیص سبک گفتاری مشارکان دادگاه و تسریع در روند رسیدگی به خیل عظیم پرونده‌هایی دارد که نیازمند احراز هویت مظنونان متهم به جرایم زبانی در محافل دادرسی است. اما مسئله حائز اهمیت این است که سیستم قضایی ایران می‌تواند در این راه از حضور و مساعدت زبان‌شناسان زبده و آشنا با مسائل زبانی و البته امور حقوقی بهره‌مند شده و

در احقاق حق و عدالت پویاتر گردد. از طرفی یافته‌های این پژوهش می‌تواند با تدوین در دانشکده‌های حقوق، کمک شایانی در تعلیم و آموزش قضات و ضابطین قضایی داشته و در مسیر این رشد اثرگذارتر باشد.

### منابع فارسی

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*. ویراست دوم. تهران: نشر علم.
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ فرازنده‌پور، فائزه؛ گلفام، ارسلان (۱۳۸۹). «تحلیل زبان‌شناختی آراء قضایی بر اساس الگوی خلاق: رویکرد حوزه‌ زبان‌شناسی حقوقی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۱۱(۱): ۱۱-۲۷.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۹). «گونه‌های زبان فارسی در ایران». *پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری*. ۲۸-۴۱: (۱)۱.
- زائری، عظیمه؛ آقاگل‌زاده، فردوس؛ عامری، حیات (۱۳۹۶). «توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرازبانی و کلا جهت اقناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری». *جستارهای زبانی*. ۱۳۹-۱۵۸: (۵)۸.
- سبھانی، ثریا؛ گرجیان، بهمن؛ محمودی، خلیل؛ ویسی، الخاص (۱۴۰۱). «شناسایی هویت نوشتاری و گفتاری متهمان در دادگاه از منظر زبان‌شناسی حقوقی». *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۰(۲۰): ۲۸۹-۳۱۶.
- سبھانی، ثریا، بهمن گرجیان، خلیل محمودی و الخاص ویسی (۱۴۰۲). «طبقه‌بندی تشخیص‌های بازپرسی با کمک نشانگرهای ساختاری و سبکی مکالمات دادگاه در چارچوب زبان‌شناسی حقوقی مک‌منامین». *جستارهای زبانی*، ۱۴(۴): ۵۷-۸۲.
- عباس‌زاده، فرنگیس؛ گرجیان، بهمن؛ ویسی، الخاص (۱۳۹۹). «تحلیل نشانگرهای کلامی و سبکی در گفتمان حقوقی دادگاه‌های انقلاب». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۵(۲): ۲۳۱-۲۴۴.
- علی‌نژاد، بتول؛ نجف‌پور، اعظم (۱۴۰۰). «برجستگی هجایی در گونه فارسی اصفهانی». *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، ۶(۱): ۳۳-۶۳.
- فتاحی‌پور، مجید (۱۳۹۵). «روان‌شناسی مهارت نگارش: ابهام‌پذیری عاملی مؤثر بر کمیت و کیفیت نگارش زبان انگلیسی». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۶(۲): ۳۹۳-۴۱۵.
- مؤمنی، نگار (۱۳۸۹). «زبان‌شناسی قانونی: بررسی شهادت در دادگاه با توجه به ویژگی‌های زبانی». *کارآگاه*، ۳(۱۰): ۶۰-۸۳.
- نجفی، پریسا؛ حق‌بین، فریده (۱۳۹۹). «راهبردهای کلامی در تعامل بازجویی (جستاری در گفتمان کاوی

## References

- Ahmad, A., Saleem, M. M., & Hussan, S. (2019). "A stylistic study of legal language in the verdicts of the Supreme Court of Pakistan". *Pakistan Journal of Social Sciences*, 39(2): 429-436.
- Bogdan, R. C., & Biklen, S. K. (2007). *Qualitative research for education: An introduction to theory and methods* (5<sup>th</sup> ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Coulthard, M., & Johnson, A. (2007). *An introduction to forensic linguistics: Language in evidence*. London and New York: Routledge.
- Creswell, J. W. (2009). *Thousand Oaks*. (3<sup>rd</sup> ed.). CA: Sage.
- Crystal, D. (1995). "Review of forensic stylistics". *Language*, 71: 381-384.
- Grant, T., & Baker, K. (2001). "Identifying reliable, valid markers of authorship: A response to Chaski." *Forensic Linguistics*, 8(1): 66-79.
- Johnstone, B. (2000). *Qualitative methods in sociolinguistics*. Oxford University Press.
- McMenamin, G. R. (1993). *Forensic stylistics*. Amsterdam: Elsevier Science Publishers.
- McMenamin, G. R. (2001). "Style markers in authorship studies". *Forensic Linguistics*, 8(2): 93-97.
- McMenamin, G. R. (2004). *Forensic linguistics: Advances in forensic stylistics*. USA, Florida: CRC Press.
- Schreier, M. (2013). *Qualitative content analysis*. Sage.
- Shuy, R. W. (1993). *Language crimes: The use and abuse of language evidence in the courtroom*. Oxford: Blackwell.
- Tuurosong, D., Pelpuo, R. H., & Bakuuro, J. (2018). "Stylistics as an approach to discourse analysis: A thematic textual analysis". *British Journal of English Linguistics*, 6(2): 58-71.
- Zamruddin, M. P. & Arafah, B. (2019). "A discourse stylistics analysis on the regularities in Alice Walker's *The Color Purple*". *The Second Annual International Conference on Language and Literature*, 422-436



